مصاحبه اول:

«حکمرانی مطلوب از منظر آموزش هدفمند»

جناب آقای دکتر علی‌اصغر پورعزت
(دکترای مدیریت دولتی و مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)
مصاحبه‌کننده: افسانه عباسیان

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

ضمن تشکر از قبول زحمت حضرت‌عالی برای انجام مصاحبه در این شماره از فصلنامه تخصصی آموزش مدیریت دولتی، جناب‌عالی چه نوع الگو و روشی در بخش حکمرانی مطلوب برای ایران را مناسب می‌دانید؟

من مدل تعقل‌گرا را بیان کرده‌ام، ولی برای ایران نه، یک الگوی خاصی نمی‌شود پیشنهاد کرد و باید به طور اختصاصی برای هر بخش، الگوی خاص خود را طراحی کرد. چالش‌های زیادی برای تهیه این الگو وجود دارد که باید در طراحی الگو استفاده کرد. برای هر جایی، یک سبکی را باید طراحی، اجرا و پردازش کرد؛ مثلاً برای آموزش و پرورش ممکن است نیاز باشد از الگوی حکمرانی دموکراتیک‌تر استفاده کنید، ولی آیا برای سازمانی مثل ارتش هم می‌توانید از همین سبک استفاده کنید؟ یا برای صلیب سرخ جهانی یک طور عمل می‌کنند و برای هلال احمر ایران به یک نوع دیگر، برای گروه‌های خیریه از سبک-های دیگر استفاده می‌کنند.

آقای دکتر به نظر شما، نظام اداری در بحث آموزش از چه سبکی از حکمرانی استفاده کند؟

نظام اداری از ابزارهای حکمرانی است که باید به سمت هوشمندسازی برده شود، به‌صورتی که بتواند پیامدهای کار خودش را ببیند. گاهی لازم است نظام اداری بپذیرد که اشتباه کرده است و از این طریق، نظام اداری را پاسخگو نماییم که این مسالهٔ بسیار مهمی است.

سهم نظام آموزشی در ایجاد حکمرانی خوب در مقایسه با سایر مولفه‌ها چقدر است؟ حکمرانی خوب را باید اختصاصی کنید که من در مبحث اختصاصی‌کردن، مدل تعالی‌گرا را پیشنهاد کردم که باید راجع به این مساله تامل بیشتری کنیم. نظام آموزشی قطعاً بسیار مهم است. اینکه من وقت می‌گذارم، مطالب خودم را آماده می‌کنم که شنوندگان و مسئولین بشنوند و خود را مدیون بدانند و سعی کنند سیستم حکمرانی را (وقتی این نشست آموزشی را می‌بینند) پاسخگو کنند.

شما استاندارانی دارید که به هیچ وجه جز حفظ پست خود، شایستگی دیگری ندارند. فرقی نمی‌کند چطور به این پست رسیده است؛ ولی در این چهار سالی که در این پست هست، باید خودش را درست اصلاح کند و روال دموکراسی همین است. حالا که این پست را گرفتند، شرافتمندانه یاد بگیرند و خودشان را اصلاح کنند؛ ولی اگر کسی این موضوع را نفهمد، مدیون است. حدیثی از بزرگان دین داریم مبنی بر اینکه هرکس مسئولیتی در بین مسلمانان بگیرد، درحالی که شایسته‌تر از خودش را می-شناسد، خائن است. حال بررسی شود چند نفر از افرادی که پست

و مسئولیتی را می‌پذیرند، شایسته‌تر از خود را نمی‌شناسند؟ هرچند اگر واقعاً نشناسند باید به هوش آنها شک کرد.

آیا موضوع حکمرانی را در تقابل با آموزه‌های حقوق شهروندی و مولفه‌های جامعه مدنی می‌بینید؟

در تقابل خیر. اگر منظور دستورالعمل است، جامعه مدنی مبتنی بر بلوغ و عقلانیت شکل می‌گیرد و مبتنی بر آگاهی می‌تواند کاملاً همگرا با سازه‌های حکمرانی باشد.

رابطه سیاست، اقتصاد و دانش به‌عنوان سه بسته اصلی در حکمرانی در ایران را چگونه ارزیابی و تحلیل می‌کنید؟

باید روی اینکه سیاست، اقتصاد و دانش سه بسته اصلی حکمرانی است، تامل کنیم. نمی‌دانم منظور شما از بسته در اینجا چیست؟ اگر منظورتان بسته سیاستی[1] است، باید بگوییم که فقط مبتنی بر سیاست و اقتصاد نیست؛ بلکه مبتنی بر فرهنگ هم هست. دانش می‌تواند سه تجلی بر اساس سیاست و فرهنگ هم داشته باشد، پس دانش مستقل نیست و جلوه‌های گوناگون دارد. اگر منظورتان این باشد که باید مبتنی بر دانش باشد، درست است باید مبتنی بر دانش باشد و وجوه میان‌رشته‌ای و حتی چند رشته‌ای دارد.

در نظام آموزشی کشور آیا مقوله‌ای به عنوان حکمرانی و تفکر حکمرانی مطلوب به عنوان مباحث آموزشی و یادگیری

1. Policy package

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

وجود دارد؟

ان‌شاالله به فضل خدا دارد شکل می‌گیرد. دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران با همین تدبیر توسط رئیس محترم دانشگاه تهران ایجاد شد.

کیفیت و نوع حکمرانی حاضر را چگونه و در چه مسیری تحلیل و تبیین می‌نمایید؟

این کار «سیستم ارزیابی کیفیت» است. من یک کتابی نوشته‌ام با نام ساعد حکمرانی که توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. براساس ساعد حکمرانی، کیفیت حکمرانی در ایران هرگز شایسته ملت فوق‌العاده شریف ایران نبوده و هنوز هم نیست. شما می‌توانید کتاب «سامانه ارزشیابی عملکرد سیستم حکمرانی» را بخوانید. ساعد حکمرانی، سامانه ارزشیابی عملکرد دوره‌ای حکمرانی است. این کتاب حاصل تلاش ده ساله من و سه نفر از همکارانم: دکتر ماه بانویی، دکتر قاسمی و آقای رفیعی است.

راهبردهای اجرایی و کاربست آموزشی در حکمرانی مطلوب مدیریت بهینه سرزمینی چیست؟

راهبردهای اجرایی باید در عمل شخصی‌سازی شوند. ما اکنون اگر در مورد کانون ارزیابی صحبت کنیم، باید بگوییم که کانون ارزیابی باید اصیل باشد. تعیین اصیل‌بودن، دال بر این است که باید شخصی‌سازی شود. حتی برای من و شما که هر دو استاد دانشگاه هستیم، چون کار هر دو ما متفاوت است، پس باید شخصی‌سازی‌های متفاوتی هم داشته باشیم. وقتی که ما استخدام می‌کنیم، بر اساس دانش افراد استخدام انجام می‌شود؛ ولی باید شخصی‌سازی کنیم. من به فکر این هستم که در سال آینده برای گزینش استاد با همکاری هیأت‌رئیسه محترم دانشگاه تهران، کانون ارزیابی استادان را به‌صورت شخصی‌سازی شده برای خودمان طراحی کنیم، چون فرصت نداریم برای دیگران طراحی کنیم و این قانون‌ها کمک می‌کند که ما بهتر انتخاب کنیم.

اما قسمت بعدی این سوال در مورد «کاربست آموزش حکمرانی مطلوب» باید بگویم که قطعاً با آموزش تقویت می‌شود.

قسمت بعدی سوال که در مورد «بهینه سرزمینی» پرسیدید باید بگویم که وقتی آمایش سرزمینی نشده باشد، اصلاً نمی‌تواند حکمرانی مطلوب شکل بگیرد. این به چه معنی است؟ یعنی وقتی شما نمی‌دانید استعداد این سرزمین چیست، و در این سرزمین مزرعه ایجاد کنید، اشتباه است؛ اگر معدن ایجاد کنید، اشتباه است؛ اگر ساختمان بسازید، اشتباه است؛ اگر فرودگاه بسازید، اشتباه است؛ ابتدا باید استعداد سرزمین را ببینید تا بتوانید انتخاب کنید. باید لکه‌یابی کنید و این لکه‌یابی نشده است. ماهواره‌های قدرتمندی لازم است تا کل کشور را لکه‌یابی کند و استعداد آن را برآورد کند. ما استعدادها را بر اساس تکنولوژی قدیمی که تا حدی با آن آشنا هستیم و دقیق نمی‌دانیم، ارزیابی می‌کنیم. فرض کنید شما در همین‌جا می‌خواهید این ساختمان را تخریب کنید. قدرت هم دارید و از شهرداری مجوز می‌گیرید و می‌خواهید برجی به اندازه نصف برج میلاد بسازید. پس از ساختن متوجه می‌شوید که در زیر برج، معدن طلا وجود دارد. مثلاً ساختمانی که ساخته‌اید به قیمت ۱۰ تن طلا است، در حالی که زیر ساختمان، دو برابر آن طلا وجود دارد، پس تخریب و ساخت آن نصف آن معدن سود دارد. در واقع می‌شود گفت که کاری کرده‌اید که من فقط در شخصیت‌های کارتونی می‌توانم آن را ببینم که یک کاری می‌کنند و دیگری اصلاح می‌کند و دوباره دیگری همین‌طور عمل می‌کند. اینجا عقلانیتی در کار نیست، چون آمایش سرزمینی در کار نبوده و کار عقلانی نیست. یک ساختمان شیک و بزرگی ساخته‌اید، ولی حکمرانی غیرعاقلانه بوده است. ساختمان‌سازی عاقلانه بوده، ولی حکمرانی عاقلانه نبوده است، چون منافع جمعی را ندیده‌اید. سد گتوند را از نظر مهندسی عالی و شاهکار ساخته‌اند، ولی در جای غلطی ساخته‌اند و این شاهکار مهندسی به جای اینکه ثمری داشته باشد، آسیب می‌رساند؛ سپس می‌گویند که خیر، در حال حل شدن است. مدتی مشغول گمراه کردن ما هستند و قبول نمی‌کنند که خطا کرده‌اند. مانند کسی که سم را خورده، ولی می‌گوید که ان‌شاالله بدن من مقاومت می‌کند، این یعنی چه؟ سد را خطا ساخته است، شجاعانه بیاید و بگوید که خطا کرده‌ام. مردم هم آن‌قدر گذشت دارند که وی را ببخشند تا دیگری خطا را تکرار نکند. چون نمی‌گوید خطا کردم، دوباره خطا تکرار می‌شود. سد گتوند مبانی قابل دفاع از نظر زیست‌بوم ندارد؛ اما از نظر ساختار مهندسی عالی است، اما حالا چه؟ می‌خواهید بگویید به کشور خدمت کرده‌ام، خیر، خیانت کرده‌اید.

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

الگو یا الگوهای بومی حکمرانی مطلوب در کشور که متکی بر آموزش هدفمند باشد و پاسخگوی مدل بومی حکمرانی مطلوب در کشور باشد، چیست و چگونه می‌توان در مسیر توسعه و تعالی قرار گرفت؟

این واژه «بومی» ممکن است گمراه‌کننده باشد. بیاییم بگوییم «حکمت بنیان». این واژهٔ آقای دکتر فاتح راد واژه درستی است. حال بیاییم الزامات حکمت‌بنیانی یا خردبنیانی (که البته من بیشتر تاکید دارم خردبنیانی) را فراهم کنیم. خردبنیانی، عقلانیت دارد؛ عقلانی عمل‌کردن مهم است و آموزش هم به عقلانیت کمک می‌کند، اما اینکه چه کسی گفته مثلاً الزامات ساخت یک نظریه باید بومی باشد، خیر، این‌طور نیست. ممکن است تجربه جهانی باشد. اشاعه را برای چه به کار می‌بریم؟ چرا در خط‌مشی، اشاعه خط‌مشی را به‌کار می‌بریم؟ چون اشاعه، الگوگیری از دیگران است. چرا کت و شلوار اکنون در بین ما رایج شده است؟ این الگوگیری است. الگوگیری بدی هم نبوده و الگوی خوبی برای پوشش بوده است. الگوی نجیب و مودبانه‌ای است و ما استفاده کردیم و کاملاً غربی است. شلختگی برخی از لباس‌ها را ندارد و همه ما هم استفاده می‌کنیم. پس الگوهای غربی هم الزاماً بد نیستند. فقط باید با عقلانیت برخورد کنیم. الگوی بومی ما یک لباس گشاد و دست و پاگیر بود؛ الگوی غربی هم در آن زمان دست و پاگیر بود، غرب و شرق با همدیگر به یک چنین الگویی رسیدند، آیا این الگو واقعا بومی است؟ بومی یعنی چه؟ اگر نیازهای بومی ما را جواب دهد، این خوب است. می‌گوید حتماً باید پدربزرگ من روی آن نظر داده باشد، آیا واقعاً پدربزرگ من چنین خواسته‌ای از من داشته است؟ اجداد ما چنین چیزی از ما نخواسته‌اند. ما باید عاقلانه میراث پاکیزه آنها را نگه‌داریم و هوشمندانه میراث غلط آنها را از بین ببریم، این سپاسگزاری نسبت به نیاکان است، حفظ آثار مثبت آن‌ها و ازبین بردن آثار منفی آن‌ها. برای قرار گرفتن در مسیر توسعه و تعالی لازم است از کانون‌های ارزیابی و توسعه حمایت شود تا در سطح کل کشور تسری پیدا کند، من هم کمک می‌کنم کانون ارزیابی اصیل را شناسایی کنم. با حمایت از برگزاری کانون‌ها، نظام شایسته‌سالار به سمت تعالی می‌رود.

تفاوت مدیران حکمران با حکمرانان مدیر چیست و کلاً چه فرایندی را حکمرانی دارد که مدیریت ندارد؟

حکمران باید مدیریت بلد باشد. حکمران، سطحی با پوشش بیشتر از مدیریت و حتی از اداره است. کسی که اداره می‌کند باید مدیریت را بداند، مگر می‌شود کسی اداره کند و سازماندهی را یاد نگرفته باشد؛ پس مدیر حکمران و حکمران مدیر استعاره دقیقی نیست. من نمی‌دانم از کجا و برچه اساسی این مطلب را فرمودید؟ اما اگر منظور شما این است که کدام ناظر بر دیگری است، مدیریت می‌تواند ذیل اداره توسعه پیدا کند. چه زمانی بارز می‌شود؟ زمانی که می‌گوییم ما می‌خواهیم سرعت عمل بیشتر باشد و نتیجه‌گرا باشیم. پس اداره و یا سنگفرش‌کردن[1] یا گسترش جاده را کنار می‌گذاریم و می‌گوییم خوب رانندگی کنید، اینجا دارد مدیریت می‌کند. وقتی جاده را احداث می‌کند، می‌گوییم اداره می‌کند. وقتی به سیستم حمل و نقل فکر می‌کند، می‌گوییم حکمرانی می‌کند. قدرت می‌تواند باعث محدودسازی شود، ولی آیا فردی که محدود می‌کند، بهتر فکر می‌کند؟ هیچ تضمینی وجود ندارد. پس کسی که محدود می‌کند، ابتدا خود را محروم و فکر می‌کند که به بقای خود کمک می‌کند. ممکن است در پست خود باقی بماند، ولی در هستی باقی نمی‌ماند و اعتبار خود را در هستی و در پیشگاه پروردگار از دست می‌دهد. حکمرانی اگر به سوی سوءاستفاده برود، ابزار می‌شود. وقتی ابزار شد، جهل‌ستایی و ایدئولوژیک عمل می‌کند. ایدئولوژی، واژه منحط غربی است. اساساً مترادف سالم فارسی ندارد. جهان‌بینی مترادف World View می‌شود.

1. Paving

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

ایدئولوژی بت ذهنی را به‌کار می‌برد. رفتار، ایدئولوژیک می‌شود، چون سیطره خود را می‌خواهد. برخی دانشمندان، واژه ایدئولوژی را مثبت به‌کار برده‌اند که متوجه نشده‌اند معنی آن چیست؟ مصداق‌های ایدئولوژی در غرب لیبرالیسم، صهیونیسم، نازیسم و حتی ناسیونالیسم است که همگی یک بتی داشته‌اند و برای آن بت شروع به آدم‌کشی کرده‌اند. میزان کشتاری که لیبرال‌ها که ادعای آزادی دارند، از سرخ‌پوستان آمریکا و سیاه‌پوستان آفریقا انجام داده‌اند چقدر بوده است؟ میزان کشتاری که کمونیست‌ها و نازی‌ها انجام داده‌اند، چقدر بوده است؟ معمولاً بتی دارند که برای آن بت، شیفتگی می‌کنند و برای رسیدن به آن، دیگران و موانع را قتل‌عام می‌کنند.

ما در دین خود با گزاره «لااکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» نمی‌توانیم ایدئولوژی داشته باشیم. ما جهان‌بینی[1] داریم. با این جهان‌بینی، یک سری از کارها را نمی‌توانیم انجام دهیم و نمی‌توانیم به طرف سلطه، ناآگاهی و تحمیل اراده بدون متقاعدسازی برویم.

ما مجبور به توضیح‌دادن و متقاعدکردن هستیم و مجبوریم به عامه مردم احترام بگذاریم، تا زمانی که خداوند آنها را منصوب به‌خود می‌داند. وقتی اشاره می‌کند که من پروردگار مردم هستم، چه کسی جرات این را دارد که به این پرورده‌شدگان کوچک و محقرانه نگاه کند و عظمت خلقت را درک نکند. اگر این عظمت را درک نکنیم، گمراه خواهیم شد. من از گزاره‌های دینی برای تائید حرف غلط خود استفاده نمی‌کنم، بلکه می‌گویم حرف‌های ما باید در خدمت به این گزاره‌های معنوی بسیار عظیمی باشد که درک آن دشوار است. او مردم را به خود نسبت می‌دهد و ما می‌خواهیم مردم را ابزار کنیم. ما از ابزارها (صندلی، تریبون و...) استفاده می‌کنیم برای سلطه بر مردمی که خداوند آنها را متعلق به خود می‌داند. خیلی شجاعت نابخردانه‌ای در ذات کسی وجود دارد که مردم را تحقیر می‌کند، در حالی که مردم منصوب به خداوند هستند.

جناب آقای دکتر در بیانات خودتان اشاره فرمودید مشروعیت حکمرانی را از دیدگاه مردم باید جستجو کنیم، این موضوع را تشریح می‌فرمایید؟

این سخن من نیست، بلکه این در نهج‌البلاغه نوشته است. در کلام مولای متقیان، مردم را ستون دین بیان کرده است و آنها را سازوبرگ اسلام در برابر دشمنان معرفی کرده است. شما نباید در بحث حکمرانی، مردم را نادیده بگیرید، چون مردم مستقیم به خدا ربط داده شده‌اند (قل اعوذ برب الناس) یعنی اینکه مردم مال خدا هستند، این خیلی عظمت به مردم می‌دهد. حال چه کسی می‌خواهد درحق مردمی که به خدا منسوب هستند در حقشان کوتاهی کند. این بدین‌معناست که هرکسی گرسنگی می‌کشد، عامل آن خطمشی تدوینی شماست، شما هم در برابر خدا و هم در قبال مردم مدیون هستید. در روایات متعدد، خدمت به مردم عبادت تعبیر شده است. در احادیث پیامبر، امامان و بزرگان دین به تکرار بیان گردیده که شرط عبودیت، خدمت به مردمی است که متعلق به خداوند هستند. شما چه خدمتی می‌خواهید برای خدا انجام دهید، خدا بی‌نیاز مطلق است و بی‌نیاز از همه مخلوقات هستی است. خداوند امر کرده که به بندگان من خدمت کنید. من گاهی اوقات فکر می‌کنم ای کاش من، وارد این دانش نشده بودم، به عنوان مثال، یک پزشکی می‌شدم، و وظیفه‌ام حداکثر درمان بیماری سینوزیت بود، یا لوزه عمل می‌کردم و به تکلیف خودم عمل می‌کردم و راحت بودم. این مواردی که الان درگیرش شدیم و فهمیدم، دیگر کنار نمی‌شود، گذاشت. شما وقتی یک موضوعی رو می‌فهمید، مسئول و مدیون می‌شوید، هم من و هم شما را در موقعیت بسیار خطرناکی قرار می‌دهد. شما بیشتر از اینکه به

1. World View

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

حکومت فکر کنید و بخواهید عملکرد آن را زیر سوال قرار بدهید، باید از خودتان بپرسید که چرا ساکت ماندید. کلام صریح پروردگار حکایت از آن دارد که وقتی موضوعی را فهمیدید، باید فریاد بزنید و سیستم حکمرانی را اصلاح کنید. وقتی سکوت می کنید و منتظرید دیگری این کار را انجام دهد، خودتون مدیون هستید.

با توجه به اینکه تغییرات جهانی در حوزه‌های مختلف، خیلی سریع اتفاق می‌افتد، و سیستم آموزشی هر کشوری جزو قوی‌ترین و شاید بهترین راه‌های همسوسازی با این تغییرات سریع است. در تعامل حکمرانی و سیستم آموزشی هر کشوری، اگر حکمرانی خوب باشد بر نظام آموزشی تاثیر مثبتی می‌گذارد و بالعکس، یعنی یک تعامل دوسویه است. این خلأهای موجود در ایران در این تعامل دو سویه چه مواردی است؟

این حدیث شریف را در نظر بگیرید که آنگاه که دانشمند به سوی حاکم می‌رود، مدیون زحمت او می‌شود؛ ولی زمانی که حاکم به سوی دانمشند می‌رود مدیون او نشده و عزت پیدا می کند؛ یعنی دانشمند را از عالم درباری تمایز داده است و اینکه نباید عالم درباری شود. عالم درباری شدن به این معنی نیست که برود دربار بنشیند، چون درحال‌حاضر درباری وجود ندارد. الان یک مدیرکل وجود دارد، یعنی شما توجیه‌کننده امر مدیرکل نشوید تا یک پروژه از وی بگیرید. این مساله بدین معناست که روزی دست خداست و روزی هر کسی مقدر است. منتها بعضی افراد روزی‌شان را آغشته به حرام و کثیف می کنند. نکته اینجاست که شما اگر دانش خود را برای ابقای یک فرد در یک پست به کار ببرید، این خیانت است. شما باید دانشتان را در هدایت آن فرد به کار ببرید، حال ممکن است مدیرکل و یا وزیر باشد، باید آنها را هدایت کنید، نه اینکه بروید و برای آنها چاپلوسی کنید.

دانشمند ما به دانشگاه، اداره، وزارتخانه و... می‌رود و چاپلوسی را شروع می کند. این جز اینکه موقعیت فعلی و آینده خود در پیشگاه خداوند را متزلزل کند، کاری از پیش نمی‌برد. آن فرد که این تملق را می‌شنوند، فرد نادانی است، چرا که این چاپلوسی-ها را می‌پذیرد و درحالی که به خطاهای خود واقف است، این تمجیدهای افسانه‌ای را گوش می کند و لذت می‌برد. مدیر مخاطب خودش باید بداند که خطا دارد و اجاره ندهد که مدح و ستایش او را بگویند، ولی مدح را به‌عنوان مدیرکل یا استاد دانشگاه می‌پذیرد. مثلاً دانشجو به تعریف و تمجید از استاد می‌پردازد و استاد هم قبول می کند. در اینجا فرد از توحید دور می‌شود، زیرا «الحمدالله»یعنی مدح، فقط و فقط هم برای خداست. اگر کسی یک کاری انجام می‌دهد، وقتی می‌گویید خدا را شکر، غیرمستقیم از ایشان هم تشکر کرده‌اید. البته اگر تشکر هم کنید، ولی با تملق همراه نباشد، مشکلی ندارد. چاپلوسی و تملق باعث گمراهی مدیران می‌شود.

آموزش باید همراه پژوهش برای حل مشکل باشد، از طریق تعریف مساله برای حل مشکل، و ارائه راه‌حل برای مساله که منجر به حل مشکل شود؛ ولی اگر متن آموزشی آماده را از اینترنت بگیرند و استادان درس بدهند، وقت خود و دیگران را هدر می‌دهند. اگر براستی می‌خواهند اصلاحی انجام دهند، باید مبتنی بر پژوهش کار کنند.

جناب آقای دکتر، سؤال بعدی را بر اساس صحبت‌های جناب‌عالی در برنامه اندیشکده‌ای برای ایران، که به مطالبات مردم و ارزش‌های اجتماعی تاکید داشتید، و امروز دوباره در نشست فرمودید که یک حکمرانی خوب زمانی است که تعامل با مردم و خواسته‌های آنها درنظر گرفته بشود، حال این خواسته‌های مردم در نظام آموزشی یک کشور چقدر می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری مورد توجه قرار گیرد؟

منشأ خواسته‌های مردم متعدد است. یکی از اینها، قانون اساسی است که مردم به آن رأی داده‌اند، یکی از خواسته‌های مکتوب، صریح و تاییدشده مردم است. وقتی شما قانون اساسی را کنار می‌گذارید، در واقع جنایت انجام می‌دهید. دومین منشأ، خواسته-هایی است که نمایندگان مردم به آن استناد می‌کنند؛ مثلاً نمایندگان مردم می‌خواهند که وزیر خودش را اصلاح کند، ولی وزیر به‌جای اصلاح با منابع قدرت لابی می کند که در پست خود باقی بماند. این کار یعنی خیانت، وقتی این خیانت‌ها روی هم انباشته می‌شوند، جرم؛ مسیر را آلوده می کند؛ مثل رودخانه‌ای که پر از آلودگی می‌شود و نیاز به لایروبی پیدا می کند، دیگر کارکردن دشوار می‌شود. اینجا باید کسانی پیدا شوند و بفهمند، کسانی که وجودشان به این رشوه‌خواری‌ها، رانت‌خواری‌ها، مفاسد، مداحی‌ها و پست‌گرفتن‌ها به خاطر مداحی‌ها آلوده نشده است. چنین افرادی سخت پیدا می‌شوند؛ ولی اگر پیدا شوند، می‌توانند زلالی را برگردانند و با فهمیدن حقیقت به اصلاح امر بپردازند.

به نظر شما در نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته، برای بهره‌برداری از آموزش در حکمرانی، از چه الگوهایی استفاده می‌شود؟ به عبارت دیگر، از دید حضرت‌عالی در این کشورها از چه ایده‌ها و ابزارهایی به‌عنوان پیشران‌های آموزشی استفاده می‌شود؟

این کشورها پول مفت ندارند، یک ریال نمی‌توانند نابجا خرج کنند. برای خرید یک ساندویچ برای پذیرایی در یک جلسه، اجازه از مافوق می‌گیرند. در سمینارهای خارجی که من شخصا شرکت کرده‌ام، اکثرا یا پذیرایی نداشت و یا حداکثر یک چای و قهوه بود.

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

سمینارهایی که اینجا برگزار می‌شود، شرکت‌کنندگان گویا در یک هتل حاضر شده‌اند؛ ناهار، پذیرایی و امکانات فراوان مهیاست. انسان دانشمند، محتوا را با غذا پر نمی‌کند، بلکه با دانش پر می‌کند. شما مجبورید بزرگی خودتان را مثل سلاطین قدیمی ما، با زرق و برق اتاق به رخ بکشید. چرا بزرگان دینی ما در جای بسیار محقر زندگی می‌کنند و اصلاً احساس حقارت نمی‌کنند؟ چون آدم‌های بزرگی هستند؛ ولی آدم‌های حقیر با زرق و برق اطراف و فرش زیر پایشان، خودشان را معرفی می‌کنند.

سیستم آموزشی ما باید مبتنی بر پژوهشگری و ریشه‌یابی مشکلات و تدوین متن آموزشی بر اساس آن باشد؛ بنابراین، شما دنبال استاد می‌گردید. چون سطح پرداخت شما پایین است، متن آموزشی‌تان را با حداقل قیمت تهیه می‌کند، در اینترنت جستجو و مقاله را کپی می‌کند؛ درنتیجه، متن و محتوای آموزشی بی‌کیفیت را تحویل شما می‌دهد. شما نیز همان متن را به مدیرانتان آموزش می‌دهید. دراین حالت، شما دچار لوپ و تسلسل شده‌اید و این لوپ را نمی‌توانید حل کنید و تلاش عجیب و غریبی می‌کنید، چون واقف نیستید و از بالا نگاه نمی‌کنید. اگر می‌خواهید اصلاح کنید، متن آموزشی باید تولید شود که تولید متن آموزش هزینه دارد. بهترین کار که عقلانی هم است به‌جای دنبال گشتن افراد و مداحی آنها، درپی بهترین دانشجویان کشور بودن است که آنها را پیدا کنید، سپس آنان را موظف کنید، یک سیستم ویراستاری قوی بالای سرشان بگذارید که متن و محتوا را آنها تولید کنند که به قیمت پایین هم تولید می‌کنند. پایان‌نامه‌هایشان را به قیمت پایین حمایت کنید و از ظرفیت بالای دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد استفاده کنید.

شما این دانشجویان با استعداد را رها می‌کنید و دنبال کسانی می‌روید که مشغله و مسئولیت‌های فراوان دارند، اینها هم معمولاً یک متن دم‌دستی، که در بیشتر موارد کار همین دانشجویان است را به‌صورت گزارش درس به این اساتید می‌دهند و اینها همین گزارش‌ها را کنار هم قرار داده و با کمی اصلاحات به شما می‌دهند. شما باید سراغ کسی بروید که وقتی اسمش روی کتاب می‌آید، نگران این باشد که مبادا آبرویش برود. با خودش بگوید که اگر محتوای بی‌کیفیت بنویسم، آبرویم می‌رود. شما سراغ کسانی می‌روید که دیگر حساسیت به این حرف‌ها ندارند و فکر اینکه محتوای بی‌کیفیت به جایگاهشان لطمه بزند، نیستند. محتوای بی‌کیفیت می‌نویسند، به شما می‌دهند و چاپ می‌کنید و آنها فقط جلد کتاب خود را می‌بینند. خیلی از کتاب-هایی که شما چاپ می‌کنید، خوانده نمی‌شوند. برای همین، خیلی از افراد حاضر نیستند با این سیستم شما همکاری کنند.

آقای دکتر، ضمن تشکر مجدد از همراهی شما، به عنوان آخرین مبحث، لطفاً در ارتباط با کلیت موضوعی «حکمرانی مطلوب از منظر آموزش هدفمند»، هر آنچه که نیاز به تشریح برای خوانندگان است و در میان مباحث مطرح شده مورد غفلت واقع شده است را بیان نمایید.

جامعه اصلاح نمی‌شود، مگر اینکه مردم برای اصلاح جامعه‌شان تلاش کنند. اگر بخواهند اصلاح کنند باید هوشمندانه کسب دانش کنند، دانش حکمرانی را فرا گیرند و آن‌را به‌کارگیرند و براساس آن، مدیرانشان را بازخواست کنند، مردم باید حاکمانشان را بازخواست کنند، باید منافع شخصی را رها کرده و به منافع ملی فکر کنند و بتوانند به‌جای مداحی کردن، با نقدکردن سیستم حکمرانی، آن را تعالی ببخشند تا زندگی خود مردم هم به سوی تعالی برود. وقتی مردم منفعت‌مدار و شخصی فکر می‌کنند، این مساله فرصت‌ها را نابود می‌کند، فرصت‌ها از دست می‌رود و دیگر احیا نمی‌شود. اگر من بخواهم تاکیدی کنم، حکمرانی بر فراز سایر علوم است و از سایر علوم برای ساختن جامعه برتر و بهتر استفاده می‌کند؛ بنابراین، لازم است به دانش حکمرانی بپردازیم.

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]